

غریبه

اشتفان هایم

برگردان کامران صادقی

و پیشانیم به ناگهان چین های عمیقی برداشته،
و لبانم از درد در هم می شوند.
آینه ها ژرفای ناپیدائی می یابند،
صدای دور دست را نمی توانم بشنوم.

چهره ام را دیگر نمی شناسم.
می توانم ساعت ها به آینه خیره شوم
و چهره ام را از هزار تکه بسازم-
و هزار آینه خالی می ماند.

و دست های من برایم بیگانه شده اند،
بوی خستگی می دهند.
دهانم پر از کلمات ناگفته است.
و انگشتانم بر لبه رومیزی می لغزند،
چنان که بر پیراهنی.

و پیشانیم به ناگهان چین های عمیقی برداشته،
و لبانم از درد در هم می شوند.
آینه ها ژرفای ناپیدائی می یابند،
صدای دور دست را نمی توانم بشنوم.

(۱۹۳۲)

" من اما از مرز گذشتم " نام دفتر اشعار دوران جوانی نویسنده سرشناس آلمانی اشتفان هایم (۱۹۱۳ - ۲۰۰۱) است که اخیراً (۱۸ مارس ۲۰۱۳) به همت همسرش اینگه هایم، توسط انتشارات برتلزمن منتشر شده است. این اشعار در بین سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۶ به رشته تحریر درآمده اند. "غریبه" یکی از اشعار این دفتر است.